

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

مولانا امرالدین بطحا

۳۱ اگست ۲۰۱۷

عقل خدای ادیان سامی

شناخت انسان ها بر حسب دست آورد های تحقیقی علم نوروبیولوژیک یعنی زیست شناسی عصبی اساس کاملاً بیولوژیک دارد، یعنی رابطه مستقیم و ارگانیک با مغز و سیستم فکری انسان ها دارد و فکر کردن اگر چه کار مغز است، باعث تغییر ملوکول ها و سلول های مغزی می گردد که به نوبه خود کار یا عملیه فکری را تقویت می کند و در نهایت ممدی برای شناخت بهتر و ارتقاء علم و دانش انسان می گردد.

شناخت امروزی انسان ها از جهان هستی، محیط و انسان، حسب آنچه گفته شد باید مراحل متنوع و متعددی را از زمان پیدایش انسان نما های اولیه، که سه میلیون سال یا بیشتر از آن تخمین زده می شود و از زمان پیدایش ادیان چندین خدائی اولیه در سومر و خوزیه و آکد و کلد و مصر و غیره مناطق بر روی کره زمین در حدود دوازده هزار سال قبل، طوری که مشاهده می شود، تغییر فاحشی نموده است.

نظریات اولیه انسان ها در مورد هستی و خلقت و هدف خلقت وقتی امروز مورد توجه و ارزیابی انسان های با معرفت و کسانی که در پی شناخت فرایند تکاملی عقل و دانش انسان در طول حیات انسان اندیشه ورز بوده اند، با نظریات انسان های امروزی اصلاً قابل مقایسه چه، که مانند نظریات کودکانی یک یا دو ساله در برابر افکار و اندیشه ها و شناخت انسان های سالخورده و دارای تحصیلات اکادمیک و شخصیت های متفکر و دارای مطالعات وسیع و عمیق می باشد.

این مقدمه را می گذاریم در جایش و نظر به آنچه می خواهیم بگوئیم با بیان ساده به جواب این سوال می پردازیم، که آیا ممکن است کسی بی آن که از ماهیت و حقیقت یک چیز با خبر باشد از آن چیز سخن بگوید و ماهیت و حقیقت آن را به دیگران بشناساند؟

معلمی را در نظر بگیرید که در امتحان اخیر سال سوال هائی را که اساساً در طول سال و در جریان درس، و دروس سال های قبل، در آن باره نه صحبتی نموده و نه روی آن کاری صورت گرفته درج ورق امتحان می کند.

به چنین معلمی چه باید گفت؟ هوشیار؟ دیوانه؟ معقول؟ نامعقول؟ منطقی؟ یا غیر منطقی؟ و این کار وی را چه باید خواند؟ باور کردنی؟ یا باور نکردنی؟ پسندیده؟ یا ناپسند؟ قابل پذیرش؟ یا غیر قابل پذیرش؟

بحث عقل خدای ادیان سامی و پیروان این ادیان بود. حسب اعتقادات پیروان این ادیان خدای ادیان سامی که همه نام ها را به آدم آموخته بود، بدون این که ملائکه از آن ها خبر باشند، یا به آن ها نام های آن چیز ها یاد داده شده باشد، همه آن چیز ها را به ملائکه عرضه کرده به آن ها می گوید: "اگر راست می گوئید، مرا از نام های این ها خبر بدهید."

چنین خواهشی، از سوی یک معلم بعید است، اما از سوی خدای ادیان سامی با آن عقلی که پیروان این ادیان دارند، هیچ بعید نیست؛ زیرا خدای ادیان سامی دارای فهم و منطق خاصی است، که نه فرشتگان، هرچند پیش گونی فرشته ها در مورد انسان مصداق پیدا می کند، آن را درک می کردند و نه انسان های امروزی؛ از نگاه پیروان ادیان سامی! به نظر انسان های متفکر امروزی این خواهش خدای ادیان سامی از فرشته ها نشان دهنده سطح فکری و عقل خدای انسان های سه یا چهار هزار سال پیش از امروز است، که خدای شان نیز باید مانند خود آن ها و از همان سطح فکری نازل برخوردار بوده باشد.

عقل خدائی که چنین خواسته ای عجیب و مضحک را برای فرشته هائی که خدا به آن ها هیچ چیزی را نیاموخته، ولی از آن ها می خواهد نام همه آن چیز هائی را که برای شان عرضه می شود، مانند انسانی که خدا قبلاً به او کمک نموده است تا نام های همه چیز را بیاموزد، متحیر کننده نیست؟

قرار دادن جوانی که ده یا دوازده سال به مکتب رفته است و به طور منظم و منسجم درس خوانده و تعلیم دیده است در برابر یک کودک یا نوجوان و یا جوانی که هنوز به مدرسه نرفته و در محضر درس معلم ننشسته و چیزی نیاموخته است، اگر در جهان ما و در عصر انسان هائی که عقلانی فکر می کنند و رابطه تعلیم و درس و مکتب را با آگاهی و دانش و علم و شناخت بدون خطای سیستماتیک یا خطای منظم و نظام مند، رابطه ضروری و قانون مند می دانند، امری است بسیار مسخره آمیز و از جهتی بسیار متأثر کننده.

چگونه یک انسان عاقل و خردمند می تواند از کسی که هرگز یک چیز معین یا یک موضوع مشخص را ندیده و یا نیاموخته، به مدرسه نرفته، پای درس معلم ننشسته و از آن چیز یا موضوع به کلی یا به شکل نسبی اطلاع ندارد، چیزی بپرسد و او را با کسی که به گونه سیستماتیک و روشمند به تعلیم آن چیز پرداخته است، مقایسه کند؟ این موضوع را روزی با یکی از دوستانی که آدم نسبتاً مذهبی است، در میان گذاشتم. جواب ایشان این بود که با عقل قاصر انسانی نمی شود به تاق های بلند دست درازی کرد! شاید او حق به جانب باشد، اما با آن هم این موضوع برای من نوعی یک معما است!!